



سال نو تحصیلی، کرونا، و مطالبه‌های معلمان

امسال در شرایط همه‌گیری کرونا و با وجود نگرانی مردم، والدین و دانش‌آموزان، و مخالفت فعالان صنفی فرهنگیان، مدارس کشور بازگشایی شدند. آغاز سال تحصیلی اما موضوع خواست‌های فرهنگیان را نیز به بحث روز تبدیل کرده است. مطالبه‌های معلمان چیست؟ فرهنگیان کشورمان از اجرای سیاست تعدیل ساختاری آسیب‌هایی جدی دیده‌اند. در هفته‌های اخیر معلمان شاغل و بازنشسته کشورمان برای دستیابی به حقوق انسانی‌شان، به‌خصوص برای دریافت دستمزدهای شرافتمندانه، تغییر "وضعیت استخدامی" از معلم آزاد، شرکتی، و خرید خدمتی به وضعیت معلم استخدام دائم و علاوه بر این‌ها دستیابی به امنیت شغلی، تجمع‌های اعتراضی فراوان آنان را شاهد بوده‌ایم. مثلاً ۱۹ مردادماه، معلمان "خرید خدمت" علاوه بر برگزاری تجمع‌های اعتراضی در مقابل استانداری‌ها، بسیاری از آنان از استان‌های مختلف به تهران آمدند و با خواست "تبدیل ادامه در صفحه ۳"



شماره ۳۷، ۲۴ شهریور ماه ۱۳۹۹



بیکاری و فقر علت رواج کولبری است

با شیوع ویروس کرونا و تعمیق رکود اقتصادی، صدها هزار نفر از کارگران خدماتی و صنعتی - به‌خصوص کارگران ساختمانی - شغل خود را از دست داده‌اند. آنان از مقرری بیمه بیکاری بهره‌مند نیستند. وزارت کار رژیم تعداد بیکاران کشور را تا سال ۹۸ سه میلیون تا ۳٫۲ میلیون نفر عنوان می‌کند. بر اساس گزارش ۱۳ شهریورماه ۹۹ روزنامه اعتماد، اقتصاد ایران طی ۴ سال گذشته به‌خصوص به‌علت رشدهای منفی حتی تا ۷ درصد در بعضی از مقطع‌های سال‌های ۹۷ تا ۹۹، ۲۰ درصد کوچک‌تر شده است. همچنین مطابق گزارش ۲۶ مردادماه ۹۹ خبرگزاری ایلنا و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در اثر کرونا "در بهترین حالت ۲٫۹ میلیون نفر و در بدترین حالت ۶٫۴ میلیون نفر" بیکار شده‌اند. با این وصف مرکز آمار روز ۴ شهریورماه ۹۹ تعداد بیکاران کشور را بیش از "دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر" گزارش داد و علت چنین کاهش در نرخ بیکاری را "بی‌انگیزگی افراد برای جستن کار" [در نتیجه مراجعه نکردن و ثبت نام نکردن برای یافتن کار] عنوان کرد. در چنین شرایطی خبرگزاری ایلنا، ۱۵ شهریورماه ۹۹، از بهره‌مند نشدن ۶۰ درصد بیکاران از مقرری بیکاری "تحت هیچ شرایطی" گزارش داد؛ و در ۱۲ شهریورماه نوشت: "بعد از اردیبهشت، ریالی مقرری بیکاری پرداخت نشده است."

اجرای سیاست ویرانگر تعدیل ساختاری به‌منظور ارزان‌سازی مزد از سوی رژیم ولایی و فساد گسترده در مسؤلان ریزودرشت رژیم و خلأ دیرینه و بسیار نمایان مراکز صنعتی در مناطق مرزی کشور، وضعیتی اسفبار از بیکاری و تامین معیشت برای زحمتکشان این مناطق به‌وجود آورده است. مطابق گزارش ۲۱ مردادماه ۹۹ خبرگزاری مهر و آمارهای رسمی رژیم، بین "۸۰ تا ۱۸۰ هزار" کولبر یا کارگر مرزی بدون بیمه و حق‌و حقوق اجتماعی در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، ایلام، و کرمانشاه از طریق کولبری نیازهای مالی و معیشت خود و خانواده‌شان را تامین می‌کنند. در ماه‌های اخیر صدها نفر از این کولبران طعمه نیروهای امنیتی رژیم ضد‌مردمی در مرزهای کشور شده‌اند. در این مورد خبرنگار مهر با چند تن از مسؤلان رژیم در منطقه مرزی گفتگو کرده است. از جمله آنان فرمانده مرزبانی آذربایجان غربی به خبرنگار مهر گفت: "برابر دستورات فرماندهی مرزبانی کشور اجازه ورود به بحث کولبری را نداریم". معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی آذربایجان غربی اما در این مورد به خبرنگار مهر گفت: "امروز در استان ما دیگر کولبر نداریم چراکه در سال‌های اخیر اقدامات زیادی برای تامین معیشت و زیرساخت‌ها در استان‌های مرزی به‌خصوص آذربایجان غربی صورت گرفته است". این مقام سیاسی-امنیتی منظور از "اقدامات زیاد" اخیر را توزیع هر سه ماه مبلغ "۲۷۰ میلیارد ریال" [۲۷ میلیارد تومان] از محل "فروش سوخت ادامه در صفحه ۲"

در ادامه اعتراض‌های کارگری، چرا اتحاد فراگیر و استقلال‌عمل طبقاتی ضرورت دارد؟!

در حالی که اعتراض و اعتصاب‌های پراکنده کارگران و زحمتکشان در کشور ادامه دارد و حکومت جمهوری اسلامی هم بر طبل ادامه برنامه تعدیل ساختاری به‌ویژه خصوصی‌سازی می‌کوبد، سرانجام زیر فشار مبارزه کارگران هفت‌تپه، رژیم مجبور به‌مانور شده و دیوان محاسبات قرارداد واگذاری شرکت هفت‌تپه به مالکان کنونی بخش خصوصی را لغو کرد. این اقدام زیر فشار اعتصاب کارگران و نگرانی رژیم از گسترش اعتراض‌های کارگری صورت گرفته و درس‌هایی مهم را دربر دارد. قرار لغو واگذاری هفت‌تپه به مالکان کنونی به‌معنای توقف برنامه خصوصی‌سازی و تامین مطالبه‌های کارگران نیست. باید دانست که رژیم ولایت فقیه به سیاست ضدکارگری و توطئه‌های متناسب با اوضاع ادامه خواهد داد. پیش از این، هم‌زمان با گسترش جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان، علی‌خامنه‌ای در دیدار مجازی با هیئت دولت باردیگر و این‌بار به‌ویژه بر تقویت بخش خصوصی با تاکید کرد. ولی فقیه

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم،
بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکا‌های مستقل
کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!



هوادر منافع طبقه کارگر باید توجه جدی شود. غلبه بر پراکندگی و فرقه‌گرایی و رسیدن به اتحاد عمل فراگیر می‌تواند همچون سلاحی مؤثر در برابر خرابکاری ارگان‌های امنیتی و اقدام‌های آسیب‌رسان از سوی جریان‌های نفوذی و ناسالم کارایی داشته باشد.

بهموازات مبارزه برای اتحاد عمل فراگیر، پافشاری بر استقلال عمل طبقاتی اهمیتی دوچندان دارد. از یاد نباید برد که در مقابله با رژیم و نقش منفی تشکلهای زرد حکومتی و حفظ استقلال عمل طبقاتی سبب قوام و دوام مبارزات کارگری و ارتقای سطح رزم‌جویی آن خواهد شد. از دیگر موردهایی که اشاره‌ای حتی گذرا به آن‌ها ضرور می‌نماید، تأکید بر احیای حقوق سندیکایی است. به‌باور ما، طبقه کارگر و زحمتکشان میهن بدون دستیابی به حقوق سندیکایی و برخورداری از تشکل پایه طبقاتی یعنی سندیکاها، نخواهند توانست منافع و حقوق صنفی - رفاهی خویش را تأمین کرده و همچنین نمی‌توانند نقشی مؤثر در جنبش همگانی ضد دیکتاتوری حاکم داشته باشند. جنبش کارگری - سندیکایی ضمن آنکه با سازمان‌یافتگی‌اش در راستای تحکیم پیوند با مبارزات سراسری ضد دیکتاتوری و اتحاد با طبقه‌ها و لایه‌های مخالف و منتقد استبداد حاکم حرکت و اقدام می‌کند، در همان حال بر استقلال عمل و سرشت طبقاتی خویش نیز تأکید می‌ورزد. این دو به‌هیچ روی جدای از هم دیگر تعریف نمی‌شوند، بلکه باید این نکته مهم را یادآور شد که مبارزه طبقه کارگر در راه پیوند یافتن با مبارزات سراسری ضد استبدادی به‌همراه استقلال عمل طبقاتی خویش جفت دیالکتیکی‌ای متصل به هم و لازم و ملزوم یکدیگرند. نفی مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و چشم فرو بستن بر خصلت و انگیزه سیاسی جنبش اعتراضی زحمتکشان زیر عنوان‌هایی مختلف مانند "وسواس در حفظ خلوص طبقاتی - کارگری" یا هر نیتی که بیان شود، در حقیقت خلع سلاح سازمانی، صنفی، و سیاسی کارگران در میدان مبارزه طبقاتی است و به امر حیاتی مبارزه مشترک همه لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی و نمایندگان سیاسی آن‌ها با استبداد حاکم مذهبی باری‌ای نمی‌رساند. در همین رابطه باید به موضوع بسیار مهم نظارت و کنترل کارگری بر تولید در واحدهای صنعتی نیز پرداخت. این موضوع از آن جهت اهمیت می‌یابد که شعار توقف خصوصی‌سازی اینک از جمله فصل مشترک‌های جنبش اعتراضی زحمتکشان شده است. تشکیل شورا یا هر نهادی برای نظارت و کنترل کارگری با اصل حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاها مستقل منافاتی نداشته و ندارد. سندیکاها به‌منزله سازمان پایه طبقاتی، یگانه سازمان مدافع منافع صنفی همه زحمتکشان است و هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود. سندیکاها با معرفی و گزینش نمایندگان‌شان در نهاد شورا، خواست به‌حق کارگران و زحمتکشان در مسئله کنترل و نظارت کارگری را تأمین می‌کنند.

تشدید مبارزه، دوری از هرگونه تفرقه، مبارزه بر سر منافع و خواست‌های مشترک و اصرار بر احیای حقوق سندیکایی، در مبارزه زحمتکشان جزو ضرورت‌هایی انکارناپذیرند. همچنان که بارها تأکید کرده‌ایم، جنبش کارگری و سندیکایی می‌باید با آمادگی هرچه بیشتر جایگاه درخورد شان خویش در مبارزه صنفی و سیاسی و بیکار با دیکتاتوری حاکم را بازیابد و تقویت کند.

ادامه در ادامه اعتراض‌های کارگری ...

در این دیدار مجازی، بخش خصوصی را محرک اصلی اقتصاد کشور و راه برون‌رفت از بحران دانست. به‌دنبال این سخنان، اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، نیز در جلسه بررسی مسائل مجتمع نیشکر هفت‌تپه، ضمن خط‌نشان کشیدن برای کارگران اعتصابی، با استناد به گفته‌های ولی فقیه، ادامه اجرای برنامه خصوصی‌سازی را اولویت رژیم ولایت فقیه دانست. هم‌زمانی برآمد نوین جنبش اعتراضی کارگران با موضع‌گیری ولی فقیه و دیگر مقام‌های بلندپایه رژیم پیرامون تقویت و گسترش بخش خصوصی دلال و غیرمولد نمی‌تواند اتفاقی باشند. درحالی‌که کارگران در رشته‌های مختلف صنعتی - تولیدی و خدماتی نسبت به وضعیت معیشت‌شان و نبود امنیت شغلی دست به اعتراض و اعتصاب می‌زنند و توقف برنامه خصوصی‌سازی هم از جمله خواست‌های طبقه کارگر میهن ما شده است، چرا ولی فقیه و دیگر مسئولان حکومت بر ادامه اجرای خصوصی‌سازی نه‌تنها اصرار می‌کنند، بلکه خصوصی‌سازی را نقطه مرکزی راهبرد حفظ نظام می‌شمارند؟

تدوین و سپس اجرای سیاست تعدیل ساختاری که هسته مرکزی‌اش راه خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی تشکیل می‌دهند، در طول نزدیک به چهار دهه اخیر راهبرد اقتصادی - اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی بوده است. این برنامه راهبردی از سویی منافع لایه‌های غارتگر و غیرمولد طبقه سرمایه‌دار ایران را به‌بهای نابودی بنیه تولیدی کشور، فقر، و فلاکت اکثریت مردم تأمین می‌کند، از دیگر سو معرف نقش و جایگاه رژیم در تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی است. سران نظام و مقدم بر همه ولی فقیه همواره از اجرا و تبلیغ این برنامه‌های اقتصادی همچون اهرمی به‌منظور تقویت و تحکیم اتصال‌شان به سرمایه جهانی بهره برده و می‌برند. ازاین روی، موضع‌گیری خامنه‌ای در دفاع از خصوصی‌سازی آن هم در گرماگرم بحران اقتصادی و تشدید مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان با خصوصی‌سازی به‌هیچ‌روی تصادفی نبوده و نمی‌تواند باشد. سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی کنونی از اجزای بسیار مهم سیاست چندوجهی رژیم ولایت فقیه برای برون‌رفت از بحرانی که بدان مبتلاست و همچنین حفظ نظامش بوده و هست. با آنچه بازگو کردیم بهتر و دقیق‌تر می‌توان به سیاست‌ها و مانورهای رژیم در قبال مبارزات کارگران و زحمتکشان پی‌برد و آن‌ها را افشا کرد.

جنبش اعتراضی کارگران طی هفته‌های اخیر با درجه‌هایی مختلف از شدت و ضعف کماکان ادامه یافته است. تجربه اعتصاب‌های اخیر به‌ویژه اعتصاب طولانی مدت کارگران هفت‌تپه، اعتراض‌های کارگران هپکو، و اعتصاب کارگران پروژه‌ای صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه جنبش کارگری - سندیکایی را نشان می‌دهد، ظرفیت‌هایی که باید با ارتقای سطح همبستگی و سازمان‌دهی به آمادگی‌هایی بیشتر فراروید و با انطباق با آمادگی توده‌های کارگر حرکت به سمت خروج از موضع‌گیری‌های تدافعی را شدت بخشند. برای ارتقای اعتصاب‌های کنونی و تکامل آن‌ها در جهت برپایی اعتصاب‌هایی سیاسی، به سطحی معین از سازمان‌دهی نیاز هست که با پیگیری باید در به‌انجام رساندن این وظیفه کوشید. اعتصاب کارگران هفت‌تپه و دیگر اعتراض‌های کارگری، ضرورت و اهمیت سازمان‌دهی، همبستگی، و وجود تشکل‌های مستقل صنفی یعنی سندیکاها که در دستیابی به خواست‌ها نقشی کتمان‌ناپذیر دارند به‌طرزی نمایان و بیش از گذشته مطرح ساخت. ضعف سازمان‌دهی، نبود سندیکاها مستقل به‌منظور هدایت، رهبری، و گسترش اعتصاب و اعتراض‌ها تجربه‌ای است که باید به آن توجهی جدی کرد. جنبش اعتراضی کنونی که هم‌چنان به‌صورت پراکنده جریان می‌یابد این نکته کلیدی را نیز نشان داد که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی - باوجود اهمیت‌شان و ضرورت بهره‌گیری ماهرانه و خلاق از آن‌ها - هرگز نمی‌توانند جایگزین سازمان‌های مستقل سندیکایی و تشکیلات کارگری در میدان مبارزه جاری کارگران باشند. افزایش مجازی می‌توان و باید در پیشبرد مبارزه بهره گرفت، اما این امر نمی‌تواند به‌منظور سازمان‌یابی و تشکل‌های رزم‌جوی کارگری جایگزین قلمداد شوند. علاوه بر مسئله‌هایی مهم مانند تشکل و سازمان‌دهی، وجود خواست‌هایی مشترک پیرامون توقف خصوصی‌سازی، افزایش دستمزدها، پرداخت مرزهای معوقه، لغو قراردادهای موقت، و تأمین امنیت شغلی از جمله نقاط مشترک و پراهمیت‌اند که زمینه‌هایی برای اتحاد عمل فراگیر فراهم می‌کنند. به این نکته کلیدی از سوی سندیکالیست‌های راستین و مبارزان

آیا ورزشکاران به سندیکا احتیاج دارند؟



عمر طولانی رواج دلالی، تبعیض، حق‌گشی، و فساد در دستگاه‌های حکومتی جمهوری اسلامی به‌قدمت حیات استبداد مذهبی‌ای از نوع حاکم در حال حاضر است. فساد ساختاری در تمام نهادهای این رژیم از جمله در دستگاه‌های ورزشی کشور ما سال‌هاست که ریشه دوانده است. بیشتر ورزشکاران و مربیان کشور ما با قلبی آکنده از امید به آینده روشن این مرز و بوم، قهرمانی‌ها نموده‌اند و برای سربلندی میهن و کسب افتخارات ورزشی تلاش‌هایی تحسین‌برانگیز از خود در عرصه ورزش نشان داده‌اند که خاطره‌هایشان در ذهن و زندگی مردم ما به‌جا مانده‌اند. این ورزشکاران و مربیان بارها نسبت به گسترش فساد و تبعیض در ورزش به شکل‌هایی گوناگون انتقاد و اعتراض‌شان را بیان کرده‌اند، اما به‌جای رسیدگی و حل مشکل‌ها همواره با تهدیدها و خطر از دست دادن موقعیت شغلی - ورزشی و درآمدشان روبرو شده‌اند. در هر گوشه‌ای از عرصه ورزش فوتبال و دیگر رشته‌های ورزشی کشور که نظری بیفکنیم، نامی از سرداران سپاه پاسداران و نفوذ و دخالت‌هایشان شنیده و دیده می‌شود. پارسال فرمانده سپاه استان زنجان گفته بود که پنجاه سالن ورزشی در استان زنجان به‌وسیله سپاه و بسیج مدیریت و اداره می‌شوند. میلیاردها تومان درآمد فوتبال ایران از جمله تجارت پرسود پخش تلویزیونی مسابقات و آگهی‌های آن زیر نظر "سردار سپاه عزیز محمدی" مدیریت و کنترل می‌شود. رسوایی اخیر در رابطه با قرارداد ویلموتس - سرمربی سابق تیم ملی - را از این مدیریت‌ها و کنترل‌ها که به‌جز فساد مالی و اجحاف در حق ورزشکاران چیزی دیگر نام ندارد نمی‌توان جدا دانست. روا داشتن تبعیض جنسیتی و حق‌گشی در ورزش و آسیب‌هایی که به‌لحاظ درآمد به ورزشکاران و به‌خصوص ورزشکاران زن وارد می‌شوند، در مدیریت و کنترل همین سرداران فاسد و مال‌اندوز سپاه پاسداران پدید آمده‌اند. امروز هیچ‌کس نمی‌تواند منکر وجود تبعیض جنسیتی در ورزش کشور شود. حق‌گشی در مورد خواهران منصوریان، ستاره‌های ورزش ووشوی ایران، نشانه‌ای از بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه ورزشی کشور است. این دو خواهر ورزشکار از سوی کمیته انضباطی فدراسیون ووشو ایران به "اقدامات ضد منافع ملی" متهم شدند. یگانه جرم نا بخشودنی این دو زن قهرمان دفاع از حقوق صنفی - ورزشی خود و دیگر ورزشکاران بوده است. مورد خواهران منصوریان تنها موردی نیست که با اعمال نفوذ بر فدراسیون، به تبعیض و حق‌گشی منجر می‌شود. وضعیت شطرنج‌بازان کشورمان هم ناگوار است. شیوه بحث‌برانگیز انتخابات یا به‌عبارتی انتصابات در کمیته ملی المپیک نیز با اعتراض کارشناسان، ورزشکاران، و مربیان روبرو است. حال با سلطه این شرایط بر عرصه ورزش کشور چه باید کرد؟

تجربه نشان می‌دهد که ورزشکاران نیز برای تأمین حقوق صنفی‌شان باید از حق ایجاد تشکل مستقل خودشان یعنی سندیکای ورزشکاران و کارکنان تربیت بدنی برخوردار شوند. آیا وقت آن نرسیده است که ورزشکاران نیز در راه ایجاد تشکل سندیکایی مستقل خودشان اقدام کنند؟ در صورت برپا شدن سندیکای ورزشکاران و کارکنان تربیت بدنی این سازمان مستقل صنفی می‌تواند از منافع ورزشکاران، کارکنان، زحمتکشان، و مربیان عرصه ورزش کشور در رویارویی آنان با آسیب‌های اقتصادی و معیشتی‌شان و همچنین مقابله‌شان با تبعیض، فساد، و نفوذ دلالان ورزشی دفاع کند.

ادامه سال نو تحصیلی ...

وضعیت استخدامی‌شان در مقابل مجلس تجمع کردند. جمعی از آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی در ۲۱ مردادماه با خواست "تعیین تکلیف" خود و جذب شدن در آموزش و پرورش در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع مطالباتی برپا کردند. بار دیگر گروهی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی در ۲۶ مردادماه از شهرها و نقاط مختلف کشور به تهران آمدند و با خواست جذب در آموزش و پرورش مقابل مجلس تجمع کردند. این معلمان چهار روز بعد، ۳۰ مردادماه، بنا بر وعده برخی از نمایندگان مجلس به‌پیگیری خواست‌شان "موقتاً به تجمع اعتراضی خود" پایان دادند. این معلمان که اکثرشان "زنان سرپرست خانوار" هستند و قدرت مالی برای پرداخت هزینه رفت‌وآمد یا تهیه اتاقی حتا در مسافرخانه‌ای در تهران را نداشتند، شب‌ها را "در پارک‌های تهران" سپری می‌کردند. ولی فقیه کشور، خامنه‌ای، روز ۱۱ شهریورماه، با تأکید بر جذب معلمان با در نظر گرفتن "صلاحیت‌های دینی، اخلاقی و سیاسی"، از کارگزاران "نظام" خواست که "اجازه ورود نیروی بی‌کیفیت به آموزش و پرورش داده نشود". فردای آن روز، "معلمان شاغل در مدارس غیرانتفاعی" از درآمد "یک میلیون تومان" در ماه خود - درحالی که خط فقر در کشورمان ۱۰ میلیون تومان در ماه است - انتقاد کرده و گفتند: "نصف معلمان رسمی هم حقوق نمی‌گیریم". گروهی از این معلمان در ۱۶ شهریورماه از نقاط مختلف کشور به تهران آمدند و با خوابیدن شب‌ها در پارک‌ها همراه با خانواده‌های‌شان، دو روز متوالی در مقابل مجلس تجمع مطالباتی - اعتراضی برگزار کردند. اکثر این معلمان در کارنامه خدمت‌شان از "۱۳ تا ۱۵" سال سابقه کار دارند و در هنگام استخدام شدن‌شان بر اساس نیاز رژیم، به آنان وعده داده شده بود که "پس از دو سال کار در نهضت سوادآموزی" در وزارت آموزش و پرورش استخدام شوند. بعد از گذشت حدود ۱۴ سال، رژیم اخیراً جذب این معلمان در وزارت آموزش و پرورش را به آوردن نمره قبولی در یک آزمون مشروط کرده است، و به‌دنبال آن با صدور یک بخشنامه، اخراج این معلمان را در استان‌های مختلف دستور داده است. روز ۱۷ شهریورماه یکی از معلمان معترض گفت: "تجمعات اعتراضی... تا مشخص شدن وضعیت شغلی آنها ادامه پیدا خواهد کرد". خواست‌های معلمان عبارتند از: توقف خصوصی‌سازی آموزش، افزایش مزد، طرح طبقه‌بندی مشاغل، لغو قراردادهای موقت، و حق فعالیت آزادانه سندیکایی فرهنگیان. راه تأمین این خواست‌های به‌حق، تشدید مبارزه است!

ادامه بیکاری و فقر ...

سهمیه مرز نشینان به نود هزار "خانوار" ساکن در مرزهای آذربایجان غربی توصیف کرد. به‌عبارت دیگر، در شرایطی که خط فقر در مناطق مرزی کشورمان حداقل حدود ۵ میلیون تومان در ماه است، پرداخت ماهیانه صد هزار تومان به هر "خانواده" به‌گفته این مقام سیاسی - امنیتی با "هدف جلوگیری از کولبری انجام می‌گیرد" و "افرادی که بدون توجه به قوانین... از مرزها عبور می‌کنند، مترددین [رفت و آمد کنندگان] غیرمجاز هستند که برای حفظ امنیت باید با این افراد برخورد شود." [!]. در نمونه‌ای تازه و اسف‌بار از برخورد با به‌اصطلاح "مترددین"، سه جوان کولبر در هفته دوم شهریورماه ۹۹ در منطقه مرزی سردشت به‌وسیله نیروهای امنیتی رژیم به‌قتل رسیدند. یکی از این کولبران جوانی ۲۷ ساله و متأهل بود که از ۱۳ سالگی به‌خاطر تأمین معاش خانواده کولبری کرده است. کولبری شغل نیست اما به‌علت بیکاری میلیونی زحمتکشان به جوانان گرد کشورمان تحمیل شده است. در چنین وضعیت نابهنجاری از اداره امور کشور، رئیس کمیسیون مرز نشینان اتاق تعاون به خبرنگاری ایسنا، ۱۷ شهریورماه، گفت: "عمده مشکلات مرز نشینان به تخصیص بودجه خاص و هزینه از سوی دولت نیاز ندارد." [!]. راه خاتمه دادن به بیکاری و کشتار زحمتکشان مناطق مرزی غرب کشور به‌ویژه جوانان گرد، مبارزه‌ای پیگیر برای پایان دادن به برنامه‌های تعدیل ساختاری رژیم فاسد ولایی است.



گسترش اعتراض‌های کارگری در کانادا با خواست تأمین امنیت شغلی



موفق شدند ۳/۵ دلار در ساعت به‌عنوان "پرداخت برای قهرمانان مقابله با کرونا" افزایش دریافتی داشته باشند.

مربیان کودک و کارکنان مهد کودک‌های خانگی در آغاز تابستان امسال و درست در میانه مذاکرات قراردادن با دولت استانی، یک روز اعتصاب کردند. مهدکودک‌ها عمدتاً از سوی دولت استانی کبک کانادا حمایت مالی می‌شوند. مهد کودک‌های خانگی با کار و زحمت این کارگران می‌چرخد و اغلب با ساعت‌های کاری بسیار طولانی و با دستمزدهایی بغایت کم کار می‌کنند. انجام اعتصاب در واقع پیروزی‌ای بزرگ برای جنبش فمینیستی نیز محسوب می‌شود.

مبارزه کارگران صنعتی و اعتصاب‌هایشان بخشی مهم و اثرگذار از جنبش اعتراضی رو به‌گسترش و رزم‌جویانه زحمتکشان در این دوره است. در ابتدای تابستان امسال بیش از هزار و صد نفر کارگر بارانداز در بندر مونترال اعتصابی چهار ساعته در میانه مذاکراتشان با کارفرما سازمان‌دهی کردند. صنعت کشتیرانی بنا به‌ماهیت جهانی زنجیره تأمین کالا، از شیوع و گسترش ویروس کووید-۱۹ آسیب جدی دیده است. کلان‌سرمایه‌داران و مدیران این صنعت از شیوع این ویروس به‌منظور لغو قراردادهای، کاهش مشاغل، و همچنین تحمیل نقطه نظرهایشان در مذاکرات دستجمعی سوء استفاده می‌کنند.

در تابستان امسال، چهار اتحادیه بزرگ استان کبک کانادا بیانیه‌ای مشترک در رابطه با کمک‌های مالی استان کبک در رابطه با شیوع کووید-۱۹ منتشر کردند. آنان به‌درستی این کمک‌ها را نقد کردند زیرا در این بسته کمکی، به زنان کارگر کمتر توجه شده است. اتحادیه‌ها مشترکاً ایجاد کارخانجات محلی با دخالت و برنامه‌ریزی مرکزی و جدای از نسخه‌های غالب نولیبرالی و همچنین برپایی جنبشی اجتماعی برای شغل مناسب، گسترش صنایع پاکیزه، و مردود دانستن نقش ستمگرانه بخش خصوصی را خواستار گردیدند. علاوه بر این‌ها، اتحادیه‌ها اعمال کنترل‌هایی دقیق‌تر بر هزینه‌های پرداختی و حمایت مالی شرکت‌های خصوصی - به‌خصوص شرکت‌هایی که در بازار بورس سهام خود را باز خرید کرده و از پرداخت مالیات می‌گریزند - خواستار هستند.

در واقع اتحادیه‌های کارگری بر پایه یک خواست حداقلی متحد شده‌اند. آنان میلیون‌ها کارگر را نمایندگی می‌کنند که قطعاً با هشتم کلمه بیانیه مشترک‌شان بیان‌شدنی نیست. وقتی که تورم به بحرانی عمیق تبدیل گشته و کارگران علیه کاهش دستمزد و بیکاری مبارزه می‌کنند، وقتی که ما به این امر مرگ هزاران نفر به‌علت کووید-۱۹ و وحشت از وقوع و گسترش موج دوم آن را اضافه کنیم، عادلانه خواهد بود که بگوییم محیط‌های کاری نمی‌توانند آرام بمانند و محلی صلح‌آمیز برای انباشت سرمایه باشند. [برگرفته از سایت حزب کمونیست کانادا، نشریه "صدای مردم"، ۲۸ تیرماه ۱۳۹۹ / ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰].

<http://peoplesvoice.ca/2020/07/18/quebec-labour-fighting-back-for-a-peoples-recovery/>

کارگران و کارکنان رشته‌های مختلف صنعتی و خدماتی استان کبک کانادا در دوران دشوار کنونی برای مبارزه آماده می‌شوند. کارکنان بخش درمان یکی از بخش‌های مهم در جنبش کارگری جهان هستند و هم‌اکنون بیشترین فشار بحران کرونا بر این زحمتکشان وارد می‌آید. این فشارها عبارتند از: حذف مرخصی‌ها، اضافه‌کاری اجباری، کمبود وسایل حفاظتی شخصی، و وسیع بودن میزان آلودگی به ویروس کووید-۱۹ در میان آنان. بنا به درخواست فدراسیون اتحادیه‌های کارکنان خدمات درمانی (اف-اس-اس) اتحادیه‌ای که صد و ده هزار نفر از کارکنان بخش درمان را نمایندگی می‌کند - آنان در شروع بحران سکوت اختیار کرده بودند. حالا صدای اعتراض‌شان را بلند کرده‌اند و این درحالی است که کل بخش خدمات درمانی برای "موج دوم" این ویروس آماده می‌گردد.

دولت دست‌راستی استان کبک کانادا، پیشاپیش مسئله افزایش حقوق را رد کرده است. ولی مبارزه قطعاً به‌زودی آغاز خواهد شد. چرا که کارگران ارتباط بین مرگ و میر وسیع ناشی از ویروس کووید-۱۹ و آلودگی گسترده بین کارکنان درمانی (که یک چهارم کل مبتلایان را تشکیل می‌دهند) و زیر فشار بودن سیستم درمان عمومی را به‌خوبی می‌بینند.

بسیاری از کارگران بخش درمان توانسته‌اند حق مرخصی را که البته از طریق یک‌سری اعتراض‌ها که بیرون از محل‌های کاری‌شان در ماه مه ترتیب داده بودند، پس بگیرند. در خانه‌های سالمندان بخش خصوصی (ال-تی-سی) موضوع تشدید می‌شود و ۵۰۰ نفر از کارکنان با دستمزد‌های پایین در این خانه‌ها که متعلق است به شرکت چارت ویل، بزرگ‌ترین شرکت در استان کبک کانادا، در ۱۰ ژوئیه اعتصاب را شروع کردند. کارگران و اعضای اتحادیه‌های تابع فدراسیون کارگران کبک کانادا (اف-تی-کیو) در بین خواست‌هایشان درخواست حداقل دستمزد ساعتی ۱۵ دلار را هم منظور کرده‌اند. در کانادا، بعضی از شرکت‌های بزرگ پاداش پرداختی‌ای با عنوان "پرداخت برای قهرمانان مقابله با کرونا" را دارند حذف می‌کنند. اولی‌مل، یکی از این شرکت‌ها است، شرکتی چندملیتی بسته‌بندی گوشت با ۴ هزار نفر شاغل در کبک کانادا. کارگران این شرکت چندملیتی که از سوی کنفدراسیون اتحادیه‌های ملی نمایندگی می‌شوند در حال مبارزه برای بازپس گرفتن این پاداش‌ها هستند. آنان توماری با امضای ۲۵۰۰ نفر به کارفرما ارسال کردند. سال گذشته چهارصد کارگر شرکت اولی‌مل اعتصابی عمومی به‌مدت ۵۰ روز سازمان دادند. کارگران در مبارزه برای دستیابی به حقوق‌شان باکی ندارند.

در ارتباط با کووید-۱۹ مبارزه‌های متعددی به‌منظور افزایش دستمزد در جریان بوده است. کارگران در فروشگاه‌های دلاراما (فروشگاه‌های زنجیره‌ای یک دلاری) در مبارزه‌شان پس از این که به‌طور وسیع در مطبوعات بازتاب یافت، در حرکتی اعتصابی به‌موفقیت رسیدند. این اعتراض‌ها از سوی مرکز کارگران مهاجر و اتحادیه کارگران شاغل در شرکت‌های کارگری سازمان‌دهی شده بودند. تنها در ۱۰ ژوئیه کارگران

لطفاً در مکانبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۷
Nameh Mardom - Workers Supplement No.36

14 September 2020

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

